

آیا ما افغانها از مفاهیم «آی تی» استفاده درست می کنیم؟ (بخش پنجم)

در نوشته اخیر در مورد "انکشافات متعدد در امور ویب کلاینت ها و ویب سرور ها" توضیحات صورت گرفت. به لینک آتی مراجعه شود:

http://www.afghan-german.de/upload/Tahlilha_PDF/q_kabir_aya_ma_afghanha_az_mafahim_it_04.pdf

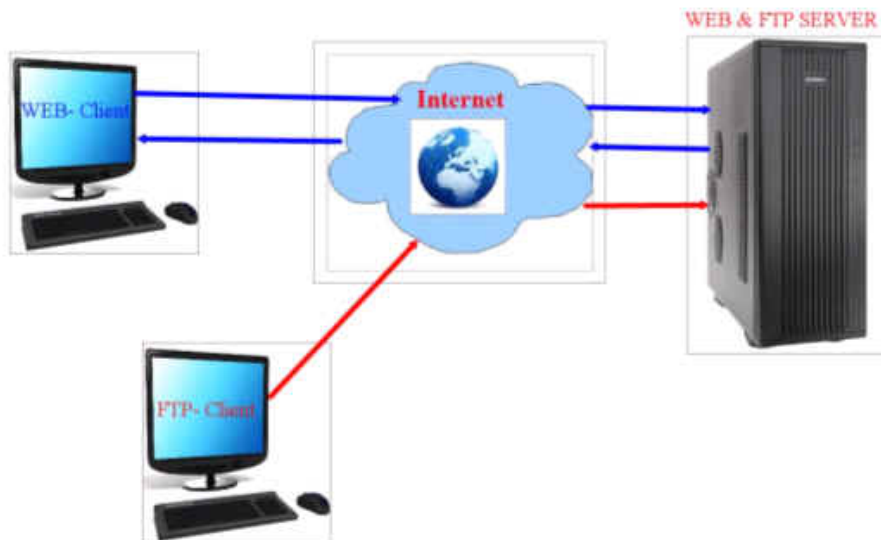
در این بخش به صورت خلص نخست در مورد ویبسایت های ثابت، ویبلاگ ها و نفوذ فرهنگی ایران توضیحات داده می شود.

ویبسایت های ثابت (HTML)

از اواسط سال ۱۹۹۵ به این سو نخستین ویبسایت های شخصی در سطح جهانی عرض وجود کردند. اکثر این ها در پوهنتون ها حفظ و مراقبت می گردید زیرا آنزمان از یک جانب در مارکیت عرضه کننده "پروایدر" [Provider] کمتر وجود داشت و از جانب دیگر با در نظر داشت مصارف تلفون نرخها خیلی گران بود. در آن فرصت از لاین تلفون برای ارتباط انترنت استفاده به عمل می آمد. اگر در یک محل لاین دوم ارتباطی در اختیار نمی بود، و از لاین تلفون برای ارتباط انترنت کار گرفته می شد که در این صورت مخابره تلفونی محال می گردید.

افغان جرمن آنلاین به حیث اولین ویبسایت افغانی بزبان آلمانی در پوهنتون کارلسروچی KIT، تحت پوشش آن پوهنتون اساسگزاری گردید ولی بعداً بخاطر توسعه فعالیت خود مجبور شد که ویب سایت خود را از طریق یک عرضه کننده "پروایدر" شخصی در دنیای ویب راجستر نماید.

در آن زمان باز کردن یک ویب با تخنیک HTML به کمک "تکست ادیتر" درحالت "آف لاین" آماده می گردید و بعد از آن با کمک FTP-Client (FTP: File Transfer Protokoll) روی "ویبسرور" Upload می شد. مراجعه شود به نوشته های قبلاً نشر شده.



قراریکه در بخش چهارم این نوشته تذکر رفته است، HTML یا Hypertext Markup Language اصلاً یک زبان پروگرامی کمپیوتری نبوده بلکه یک قالب کننده ویبسایت می باشد، که برای طرح Layout یک ویبسایت مانند "متن نوشته"، فوتوها، رنگ نوشته، اندازه نوشته، هایپرلینک ها Hyperlinks و جدول ها و ... به کارمیرود که یک "ویب براوزر" آنها را نشان می دهد.

ساختار یک HTML

```
<html>
<head>
<title>Titel der Webseite</title>
<!-- Evtl. weitere Kopfinformationen -->
</head>
<body>
<p>محتوای وبسایت</p>
</body>
</html>
```

در چوکات قسمت "بدنه" Body "جدول ها، متون با وسعت مختلف، نوع و رنگ ها، عکس ها، لینک ها، محتوای رسانه ها و غیره جای داده می شوند. هر تصنیف "تگز" Tags و "پارا متر های" خود را دارد. به طور مثال برای اینکه یک نوشته با رنگ، حجم و فونت (نوع خط) معین نشر گردد، باید در "بدنه" چنین درج گردیده باشد:

```
<font size="6" color="red" still="arial">تکست مطلوب</font>
```

چنین "تگز ها" و "پارا متر های آن" سال به سال افزود می شدند که به همین دلیل "نخستین ابزار - سافت ویر" مانند Dreamweaver, Frontpage و غیره به میان آمدند تا بدون معلومات (دانش) از تخنیک - HTML یک وبسایت ساده و ثابت ساخته شود.

امروز یک شاگرد صنف ۱۱-۱۲ توان آنرا دارد تا به کمک چنین پروگرام ها وبسایت های قشنگ و ثابت را دیزاین کند.

بزرگترین نقایصی که در این تخنیک وجود دارند عبارتند از :

- ۱- لی اوت Layout و دیزاین با محتوی از هم جدایی ناپذیر اند.
 - ۲- Update این سایت ها در دست یک شخص معین، مکان معین و وقت معین بستگی دارد. بطور مثال یک وبسایتی که توسط یک ایرانی (شخص معین) از کانادا (مکان معین) شبانه (وقت معین) Update میشود.
 - ۳- نوع این سایت ها ثابت Static اند و آثار دینامیک در آن وجود ندارد.....
- با گذشت زمان و سرعت انکشاف تکتالوژی، این نوع وبسایت ها به زباله دان فراموشی سپرده شده اند.

بلاگ، ویبلاگ، بلاگر

از اواسط سال های ۹۰ به این سو اکثر "وبسایت های" که ساخته شدند در ساختمان خود متشکل از سایت های ساده HTML با Layout ساده (یک صفحه با چوکات یا بدون آن، از بالا به پایان بود) ولی با آنهم برای اشخاصی که فهمی از تخنیک "وب" نداشتند مشکل بود که یک "وبسایت" را برای خود باز نمایند. برای رفع این مشکل، انکشاف دهندگان "وب" به سراغ چاره جوئی و راه حل افتادند. در نتیجه یک "سیستم ساده کونتنت منجمت CMS" به میان آمد که سرانجام "وبلاگ" نامیده شد.

عنوان "وبلاگ" مرکب است از: «وب» و «لاگ». "لاگ" منشه می گیرد از: "کتاب لاگ" Logbook یا "کتاب درج وقایع". "بلاگ" مخفف "وبلاگ" است. کسانی که یک "وبلاگ" را می نویسند یا ترتیب می دهند، "بلاگر" نامیده می شوند.

اساساً وبلاگ ها به دو کتگوری (دسته) تقسیم می شوند:

وبلاگ های انفرادی، (مستلزم فهم مسلکی است)

برای فعالیت یک وبلاگ فردی (شخصی) در پهلوی "WebSpace" به "سافتویر- وبلاگ" و تا اندازه هم فهم کافی از "تکتالوژی - وب"، ضرورت است. روی همین دلیل، اکثریت مردم جهت مستفید شدن از یک وبلاگ به عرضه کنندگان تجارتي مراجعه می نمایند.

سیستم های شناخته شده ای که بوسیله آن وبلاگ ساخته میشوند یا به عبارت دیگر "سافتویر- بلاگ" عبارت اند از: Serendipity, WordPress, Movable Type and Textpattern.

از WordPress، به صورت عموم کار گرفته می شود. این سافتویر برای ادارهٔ بلاگها و وبسایت های دیگر به کمک ارتباط "داتا بانک" (MySQL) مورد استفاده قرار می گیرد. Layout می تواند حسب الخواش ترتیب گردد. برای این منظور بیش از ۱۳۰۰ رابط گرافیک (Themes) و بیش از ۱۴۰۰۰ Plug-ins (پروگرامهای کمکی که همراه سافت ویرهای معین کار می کنند) وجود دارند. لیکن بخاطر نصب یا انستالیشن "وُرد پرس - ستاندرد"، به معلومات تخنیکی وب CSS، HTML و تا اندازه ای به زبان سکرپیت PHP ضرورت است.

از اینکه وبلاگ های انفرادی عمدتاً انعطاف پذیر بوده و بیشتر جوابگوی خواسته های شخص است، لذا در بعضی حالات مشکل به نظر میرسد تا وبلاگ را از وبسایت متمایز ساخت.

عرضه کنندگان تجارتي، "وبلاگ- آماده شده".

مفاد یک وبلاگ آن است که قبلاً عناصر ساختمان آن تهیه و مشتري صرف نام خود و نام وب را با در نظر داشت ضروریات خود راجستر و بعد از این عملیه با صرف کمترین وقت عاجلاً به کار خود شروع می کند.

در عرضهٔ بلاگ های کلاسیک مانند Wordpress.com, Blogger.com (Google), Xanga.com or LiveJournal می توان بعد از راجستر شدن بدون فوت وقت به کار آغاز کرد. در این مورد Layouts مکمل برای متن ها و فوتو ها در اختیار قرار دارند. "بلاگر تازه کار" یک آدرس انترنت را به دست می آرد. مراجعه کنندگان می توانند مضامین را مورد تبصره قرار دهند.

وب بلاگ های جدید مانند Posterous امکانات جدیدی را به میان آورده اند که در آن مضامین چي مستقیم و چه از طریق ایمیل به نشر میرسند. و مضامین نشر شده در وبلاگ به صورت اوتومات به شبکه های اجتماعی مانند "فیسبوک" و "تویتر" نیز ارسال می گردند.

وبلاگ Tumblr برعکس Posterous راه دیگری را اختیار می کند. طور مثال: Tumblr مضامین مورد علاقهٔ وبلاگر را از سائز شبکه های اجتماعی در کمترین وقت جمع آوری کرده و آنرا در وبلاگش به نشر می رسانند که این عملیه را ("rebloggen") می گویند.

Weblog Storify وبلاگ دیگر است که نویسنده های مورد نظر مالک وبلاگ را اول در حافظهٔ خود راجستر و بعد اگر نویسنده در هر یکی از شبکه های اجتماعی به همان نام مقاله و یا مضمون به نشر برساند آنرا به اساس نام نویسنده مشخص برای مالک وبلاگ مکتلاً جمع آوری و به نشر میرساند؛ که در حقیقت مضامین نویسنده را تعقیب می کند. شما خود تصور کنید که به ده ها نویسنده در یک وبلاگ می نویسند و برای مالک وبلاگ مشکل خواهد بود که با سرگردانی عقب نویسندهٔ خود برود و نوشته های وی را جمع آوری کند. به وسیله این عملیه سهولت های فراوانی برای مالک وبلاگ مهیا میشود.

"بلاگ کردن" یا "بلاگ به نشر رسانیدن" وقتی باعث خوشی می گردد که مطالعه کننده آنرا داشته باشد. ولی باید بیاد داشت که امروز جمع کردن علاقمندان نسبت به گذشته مشکل گردیده، و به مشکل میتوان عده ای از مطالعه کنندگان دایمی را به دور خود وبلاگ خود جمع نمود.



برای این منظور بلاگ باید محتوای شفاف و هدفمند داشته باشد، وبلاگ مجبور است برای گروپ مورد نظر موضوعات مورد علاقهٔ شانرا به صورت متواتر و قابل اطمینان عرضه کند و طبیعی است که مالک وبلاگ هم مشتاقانه رویش تبصره های خود را بنویسد.

در دنیای وبلاگ دلچسپ آن است که اطلاعات وقایع مانند سقوط یک طیاره، یک حملهٔ تروریستی یا حوادث طبیعی توسط "بلاگر" نسبت به میدیای عظیم مانند CNN و غیره سریعتر به مردم برسد. و دلیلش این است که "بلاگر" روی تصادف در نزدیکی محل واقعه حضور داشته و اطلاع را در "بلاگ" خود به نشر می رساند که در "فیسبوک" و یا "تویتر" در کمترین وقت انعکاس می یابند.

نفوذ فرهنگی ایران

با تأسف باید گفت افغانها تا کنون موفق به ایجاد و پیشبرد خدمات وبلاگی مختص بخود نگردیده اند و در این راستا همچنان به ارائه کنندگان ایرانی این گونه خدمات فرهنگی، نیازمند هستند. طور مثال خدمات وبلاگی ایرانی ها، (پرشن بلاگ) یا (بلاگفا) را مد نظر بگیرید. در اینجا بصورت نمونه از چند وبلاگ هموطنان ما نام میبریم که در زیر پوشش خدمات این وبلاگ های ایرانی، مجال نفس کشیدن یافته اند:

۱- شعر معاصر افغانستان (<http://aatash.persianblog.ir/>)

۲- نگاه (<http://zinatnoor.persianblog.ir/>)

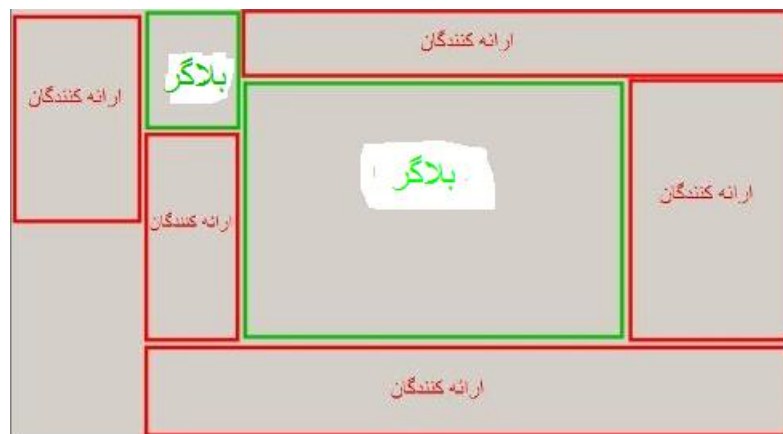
۳- افغانستان نوین (<http://daikundialiahmad.blogfa.com/>)

در تصویر ذیل مشاهده میشود که تعداد کثیری از وبلاگ گره های افغان، زیر پوشش ارائه کنندگان ایرانی (بلاگفا)، مشغول فعالیت هستند. با تأسف که سروی احصائیه ها و ارقام وبلاگ های افغانها در (پرشن بلاگ) قابل دریافت نبود.



اما میتوان قیاس کرد که به همین تعداد و یا کمتر و یا بیشتر از آن در (پرشن بلاگ) نیز مشغول فعالیت اند. با ایجاد سیستم انترنتی در افغانستان، کمیت این وبلاگ ها به سرعت رو به افزایش اند.

وبلاگ ها اکثراً از بخش های متعددی تشکیل گردیده اند، که در یک یا دو قسمت آن بلاگر کنترل محتوای آنها دارد (به دو چوکات نشانی شده سبز توجیه کنید). و بخشهای دیگر آن تحت ادره ارائه کنندگان این خدمات میباشد که به کمک مدیریت، ظرفیت و محتوای آنها تعیین می نمایند. (به چوکات های نشانی شده سرخ توجه کنید)، که در آن ارائه کنندگان بلاگ از اصطلاحات و طنش استفاده میکنند و برای افغانها اصطلاحات نامأنوس میباشد.



بدین ترتیب "نفوذ فرهنگی ایران" وسعت بزرگتری را احتوا میکند. تا افغانها موفق به ایجاد و پیشکش مدیریت خدماتی یک وبلاگ تبلیغاتی رایگان به زبان های دری و پشتو نگردند، وسعت حلقه شیطنی پان ایرانیزم در افغانستان بزرگتر شده و اینکار ادامه می یابد. البته این مأمول قسماً بدوش حکومت موجوده افغانستان میباشد، که جلو آنها بگیرد. باید علاوه نمود، تا زمانیکه دستان فتنه گر رژیم آخندی ایران از آستین حکومت افغانستان بیرون میگردند

د پانو شمیره: له ۴ تر 6

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په څیر و لولئ

و مقامات مهم در حکومت مرکزی افغانستان را گماشتگان رژیم اسلامی ایران در اختیار دارند و رئیس جمهور کشور نیز جیب خرج خود را با افتخار از کیسهٔ آخذن ها حاصل میکند، امید خیری از این حکومت نمی توان داشت. امید است که ملت افغانستان خود را از تأثیرات منفی فتنه گران آخذنی ایران رهایی بخشد و نگذارد، دار و ندار افغانستان توسط گماشتگان رژیم اسلامی ایران که در تار و پود قوای اجرائیه کشور ما ریشه دوانیده، قربان گردد. به تصاویر آتی نگاه گردد!



"مخدوم رهین" و هم قطارانش به شدت در تلاش اند تا (پان ایرانیزم) را در افغانستان پیاده نمایند. آنان جهت تحقق اهداف دراز مدت جهانی نیشنلیست های ایران در ساحات مختلف (سیاسی، زبانی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، تخنیکی و....) در کشور ما، سخت مشغول فعالیت بوده و میکوشند کشور ایران بر این ساحات تسلط پیدا کند.



ایجاد یک شبکهٔ تلویزیونی فارسی زبان که مرکز آن در تهران باشد، به نمایش گذاشتن پروگرام های اطفال تهیه شده در ایران و بنمایش گذاشتن آن در تلویزیونهای داخل افغانستان، وارد نمودن بلاوقفهٔ کانتینر های کتاب از ایران و... ، همه و همه یک حصهٔ کوچک از این اهداف شوم و دراز مدت آخذن های ایران در کشور ما میباشد.

اگر اندکی دقت گردد، دیده میشود با وجود آنکه در اطریش، سویس، هنگری، چک، قسماً تعداد کثیری از آلمان ها حیات بسر میبرند، و هر کدام لهجه ها و اصطلاحات خود را دارند، اما دولت آلمان هیچگاه به این فکر و اندیشه نیفتاده است تا یک پروگرام مشترک تلویزیونی برای مناطق آلمانی زبان ایجاد نماید. و اما می بینیم که ایران کوشش دارد حتی افغانستانی مقیم غرب را نیز با شیوه های متفاوت و طرق مختلف، تحت نفوذ خویش در آورد.

د پانوی شمیره: له ۵ تر 6

افغان جرمن آنلاين په دريښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

"فارسی شکر است"، نمونه روشنی از نوکر منشی و سر برآستان ایران سائیدن است که مسؤول سایت جنگسالاران شورای نظار، (در زیر ۲۱ خرداد) مامور اجرای آن ساخته شده اند. جناب پروفیسور «شکر» هنوز به یکی از هزاران مشکل حل نشده افغانستان نپرداخته، مشکل دیگری ایجاد نموده و گره دیگری به کور گره کشور می افزاید و دیده و دانسته و با افتخار تمام وظیفه نا مقدس ایجاد تفرقه بین مردم افغانستان را به پیش میبرد.

نوشته شده توسط پروفیسور رسول رهین

شنبه، ۲۱ خرداد ۱۳۹۰، ۱۱:۴۵

وقتی، دوستی ارفول داستان نویس و ادیب بزرگ انگلیسی بنام ویلیام شکسپیر نقل کرده گفته بود:

"سیاسیون اول بسوی نان لیخند میزند بعد شما را مسخره میکنند بعدیا کمی تعمق فرهنگ و زبان تان را باهمال میکند. پس ای اتانیکه زبان و فرهنگ تان را بیشتر از هرچیزدیگر دوست دارید نگذارید همه چیز تان را از پیش تان بزدند!"



جای شک نیست که زبان در درازنای تاریخ از زاویه های گونه گونی مورد توجه بوده است؛ چنانچه اهل نجوم میان نام ها که جزء اساسی زبان است با ستارگان ارتباط محکمی می دیدند و از همین ناحیه طالع و بخت انسان را بررسی می کردند. سحر کلام از روزگاران پیشین میان انبای بشر شناخته شده است، افسونگران به باری کلمات گردگان را رام می کنند و جادوگران مخالفان را با نیروی الفاظ و کلمات مورد حمله و تهدید قرار می دهند.

فارسی شکر است

بودند اشخاصیکه در خط اول مبارزه علیه برتری طلبان ایرانی و جنگ آوران گماشته شان در افغانستان قرار داشتند و امروز چنان خلع سلاح شده اند که از سنگ صدا می براید و از اینها نه. این ضربه دیگریست که بر سنگر مقاومت در برابر تجاوز فرهنگی ایران حواله شده است.

جوانان مسلکی افغان مقیم غرب، صرف نظر از طرز تفکر سیاسی- مذهبی شان میتوانند و باید قادر گردند تا به کمک سرمایه داران افغانی ابتکار را در دست گرفته و اقدام به ایجاد یک "افغان بلاگ" Afghانبlog تجارتی نمایند.

البته این کار مستلزم پشتکار و کوشش و تلاش فراوان بوده و یکپارچگی و اتحاد و وحدت ضامن پیروزی آن خواهد بود. چند دستگی و ایجاد نفاق و تفرقه ما را به منزل مقصود نخواهد رساند.

شاید هرگز موفق نگردیم در یک وبسایت مربوط به ایرانی ها، نوشته یا تحلیل و یا هم اطلاعاتیه و اعلامیه ای در مورد افغانستان و رویداد ها و وقایع آن پیدا کنیم و یا هم آنچه امروز بر مردم افغانستان میگذرد، خمی بر ابروی ایرانی ای آورده و از روی انسانیت یکی دو سطری در سایت های بی شمار خویش درج نمایند. هرگز دیده نشده که یک سایت ایرانی در مورد اوضاع و احوال سخت ناگوار مهاجرین افغان در ایران و پیشآمد سنگدلانه و مودیانة جمهوری اسلامی ایران در قبال آن بخت برگشتگان، اظهار نظر نموده باشند. شاید در هزاران سایت ایرانی حتی یک اعلامیه خشک و خالی هم در مذمت رفتار غیر انسانی و غیر اسلامی و غیر اخلاقی، جمهوری اسلامی ایران با مهاجرین و آوارگان افغان در ایران، با ذره بین هم نیابیم.

اما، ما را چه شده است که چنین سر از گریبان ایرانی ها بدر کرده و وقت گرانبهای خویش را به رایگان به آنها می بخشیم و چپ و راست هموطنان خود را زیر رگبار ناسزا و افترا و توهین و تحقیر گرفته و بوسه بر کفش ایرانی ها میزنیم؟

به این میگویند " از خود کشان بیگانه پرست ".

نمونتاً عرض می شود :

اینکه چرا ما در نوشت و خوان خود از زبان دری استفاده کنیم و نه از فارسی و اینکه چرا به عوض اصطلاحات بیگانه کلمات معمول خود را بکار ببریم گرچه بعضی اوقات از نگاه لسانی منطقی هم به نظر نرسد (زبان همیشه روی منطق استوار نیست). شاید یک ریل یا ترن ما را به منزل مقصود برساند تا یک قطار و اینکه چرا این کار ها جزء منافع ملی ما می باشد، در مضمون جداگانه توضیح خواهد گردید.

ادامه دارد